



Evaluating the factors affecting social harms emphasising urban disadvantaged neighborhoods (Case study: Ardabil city)¹

Rasool Abbasi Taghi Dizaj², Mohammad Hassan Yazdani³

Received: 04 - 05 - 2024

PP. 93-122

Accepted: 17 - 06 - 2024

Abstract

Background and Objective: Informal settlements are considered as centers of danger and accumulation of various types of social harms and crimes. Therefore these neighborhoods are the most problematic and venerable compared to other urban neighborhoods. Accordingly, the main purpose of the present study is to investigate the social harms of the neighborhoods of Ardabil city with emphasis on urban disadvantaged neighborhoods for future planning.

Method: The present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method, and is classified as a dependency study conducted using a survey method. The statistical population of the study was 15 informal settlements in Ardabil. The sample size was estimated to be 382 subjects using the Cochran formula. In order to increase the accuracy of the work, a total of 450 questionnaires were selected using a simple random sampling method (each of the target neighborhoods had 30 questionnaires), and then the questionnaires were distributed and completed. In order to evaluate the components affecting social harms in the marginal neighborhoods of Ardabil city, 6 components (economic, environmental, socio-cultural, family, individual-psychological, and managerial) were used. LISREL and SPSS software were used to analyze the data.

Findings: The results of the sample T-test showed that all the studied components affect the social harms in the urban disadvantaged neighborhoods of Ardabil because the test results of all variables were positive and scored more than the median number (3). The significance level of the variables was also less than 0.05, so the research hypothesis was confirmed at a significance level of 95%. Considering that all the components had a factor load of more than 0.4, the results of the path coefficient (β) indicate positive relationships between the research variables. Also, the value of the RMSEA coefficient was (0.71) and the chi-square coefficient was (35.415), so it can be claimed that the research model shows good and desirable fit.

Conclusion: In the present study, the highest average is assigned to the economic and managerial components, and the lowest average is assigned to the individual-psychological component, respectively.

Keywords: Social harm, marginal neighborhoods, disadvantaged neighborhoods, Ardabil city.

Reference: Abbasi Taghi Dizaj, Rasool, & Yazdani, Mohammad Hassan (2024). "Evaluating the factors affecting social harms emphasising urban disadvantaged neighborhoods (Case study: Ardabil city)". *Quarterly Of Disciplinnary Geography*, 12(46), pp. 93-122.

1- This article is derived from the second type of research project entitled (Investigation of social harms in neighborhoods of Ardabil city with emphasis on disadvantaged neighborhoods) which was carried out by the financial support of the University of Mohaghegh Ardabili. Project manager: Dr. Rasool abbasi Taghi Dizaj.

2- Associate Professor, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Corresponding author's email: Rasoulabbasi@uma.ac.ir).

3- Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Email: yazdani@uma.ac.ir).

مقاله: پژوهشی

ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر محلات فرودست شهری (مورد مطالعه: شهر اردبیل)¹

رسول عباسی تقی دیزج¹، محمد حسن یزدانی²

پذیرش: 1403/03/28

از صفحه 93 تا 122

دریافت: 1403/02/15

چکیده

زمینه و هدف: سکونت‌گاه‌های غیررسمی به‌عنوان کانون‌های خطر و مرکز انباشت انواع آسیب‌های اجتماعی و جرم قلمداد می‌شوند. به‌گونه‌ای که این محلات جزء مسئله‌دارترین و شکننده‌ترین محلات در مقایسه با سایر محلات شهری می‌باشند. بر این مبنا هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی آسیب‌های اجتماعی محلات شهرداری با تأکید بر محلات فرودست شهری جهت برنامه‌ریزی آتی می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است که در زمره مطالعات وابستگی قرار می‌گیرد که به روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش منطبق بر محلات 15 گانه سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شهر اردبیل است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 382 نفر برآورد شد. جهت افزایش دقت کار مجموعاً 450 پرسش‌نامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند (هریک از محلات هدف 30 پرسش‌نامه) توزیع و تکمیل شد. به‌منظور ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات حاشیه‌شهر اردبیل از 6 مؤلفه (اقتصادی، محیطی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی، فردی- روانی، مدیریتی) بهره برده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای لیزرل و اسپاس استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج آزمون تی‌تک نمونه‌ای نشان داد که تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی جزء عوامل مؤثر در آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری اردبیل هستند چرا که نتایج آزمون تمام متغیرها مثبت بوده و نمره بیش‌تر از عدد حد وسط (3) کسب نموده‌اند. سطح معناداری متغیرها نیز از 0/05 کم‌تر مشاهده شد، بنابراین فرضیه پژوهش با سطح 95 درصد مورد تأیید واقع شد. با عنایت به این‌که همه مؤلفه‌های مورد بررسی دارای بار عاملی بیش‌تر از 0/4 کسب کردند، از این‌رو نتایج حاصل از ضریب مسیر (β) حاکی از روابط مثبت بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. هم‌چنین مقدار ضریب شاخص‌های RMSEA برابر با (0/71) و ضریب χ^2 (415/35) به‌دست آمد بنابراین می‌توان ادعا کرد که مدل پژوهش نشان از برازش خوب و مطلوب برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در پژوهش حاضر بیش‌ترین میانگین به‌ترتیب به مؤلفه اقتصادی و مدیریتی و کم‌ترین میانگین نیز به مؤلفه فردی- روانی اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، محلات حاشیه‌شهر، محلات فرودست، شهر اردبیل.

استناددهی (APA): عباسی تقی دیزج، رسول، و یزدانی، محمد حسن (1402). «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر محلات فرودست شهری (مورد مطالعه: شهر اردبیل)»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، 12(46)، صص 93-122.

1- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نوع دوم تحت عنوان (بررسی آسیب‌های اجتماعی محلات شهرداری با تأکید بر محلات فرودست) می‌باشد که با حمایت مالی دانشگاه محقق اردبیلی انجام گرفته است. مجری طرح: دکتر رسول عباسی تقی دیزج.

2- دانشیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (رایانامه نویسنده مسئول: Rasoulabbasi@uma.ac.ir)

3- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (رایانامه: yazdani@uma.ac.ir)



برآوردهای سازمان ملل متحد نشان می‌دهد تا سال 2050 حدود 65 درصد از کل جمعیت جهان شهرنشین خواهند شد که بیان‌گر رشد شتابان شهرنشینی است (سازمان ملل متحد، 2017). یکی از عوامل اصلی رشد ناموزون شهرها اسکان‌های غیررسمی است که به دلیل مهاجرت‌های مداوم از روستا به شهرها به وجود می‌آیند که به اشکال گوناگونی مانند آلودگی‌نشینی، زاغه‌نشینی، کپرنشینی و حلبی‌آبادها بازتاب داشته و برآمده از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در شهرهاست. از طرف دیگر، سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه‌یافته است. بنابراین، رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه و از طرفی مدیریت و امکانات ضعیف آن‌ها حاشیه‌نشینی یا به عبارتی تشکیل نواحی فرودست را به یکی از معضلات اصلی جهان تبدیل کرده است (نقیبی و همکاران، 1400: 1074).

شرایط فیزیکی - کالبدی مناطق اسکان غیررسمی عبارت است از تراکم بالای جمعیت، فقدان تسهیلات مناسب زندگی، کمبود خدمات اولیه زیربنایی، محیط‌زیست آلوده و غیربهداشتی هم‌چنین در این محل‌ها درصد بالایی از بی‌سوادی، بیکاری، جنایت و ناهنجاری‌های روانی مشاهده می‌شود (بکلی، 2015: 278). با نظر به این‌که آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری بنابه دلایلی هم‌چون فقر، بیکاری، سطح نازل کیفیت زندگی، سطح نازل امنیت جانی و مالی و ... نسبت به سایر سکونت‌گاه‌های شهر پررنگ‌تر است. لذا این نوع سکونت‌گاه‌ها به‌عنوان کانون‌های خطر و مرکز انباشت انواع آسیب‌های اجتماعی قلمداد می‌شوند. زمانی که ساکنین این قبیل سکونت‌گاه‌ها در شرایط بحرانی دچار درد، رنج و محرومیت زیاد می‌شوند و فرد نسبت به وضعیت موجود دچار عصیان می‌شود. این حس عصیان خود را به شکل انواع آسیب‌های اجتماعی هم‌چون اعتیاد، خودکشی، انواع جرائم و بزه بروز می‌دهد (فرزانه سادات زارنجی و همکاران، 1400: 160). با نگاه کلی و جامع‌نگر به تأثیرات وجودی آسیب‌های اجتماعی در سطح ملی، می‌توان آسیب‌های

اجتماعی یک جامعه کوچک تر با مقیاس «محل‌های» را تبیین نمود؛ اهمیت پرداختن به این موضوع زمانی آشکار می‌گردد که جامعه هدف، محلات کم‌برخوردار (سکونت‌گاه‌های غیررسمی) باشد. این نوع سکونت‌گاه‌ها به‌عنوان کانون‌های خطر و مرکز انباشت انواع آسیب‌های اجتماعی قلمداد می‌شوند. شهر اردبیل نیز از این مسئله مبرا نبوده و ظهور پدیده اسکان غیررسمی در محلات فرودست مشهود می‌باشد. دلیل شکل‌گیری هسته اولیه این محلات را می‌توان در ارتباط با توسعه شهرنشینی و مهاجرت و هجوم روستاییان در اوایل 1350 دانست، ولی تشدید آن به دهه 1370 و هم‌زمان با تبدیل شهر مزبور به مرکزیت برمی‌گردد. آن‌چنان‌که باید و شاید مؤلفه‌های مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی در سطح این محلات مورد واکاوی قرار نگرفته‌اند و مشخص نیست کدام‌یک مؤلفه‌ها دارای اثرگذاری بیش‌تری می‌باشند تا در اولویت مداخله مدیران و مسئولان جهت کنترل و مهار قرار بگیرند. بنابراین به‌نظر می‌رسد لزوم شناسایی مؤلفه‌های مرتبط و ارزیابی تأثیر هر یک از آن‌ها از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. به‌گونه‌ای که بررسی آسیب‌های اجتماعی می‌تواند بستر را برای جلوگیری از انواع ناهنجاری‌ها، مهار جرم و تعدیل احساس ناامنی شهروندان فراهم نموده و سطح امنیت اجتماعی و آرامش روحی و روانی را ارتقاء بخشد. با این اوصاف هدف پژوهش حاضر ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهر اردبیل می‌باشد تا ضمن شناخت عوامل مهم و تأثیرگذار در این زمینه به مسئله مطروحه فائق آید. لذا پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ‌گویی به پرسش و فرضیه زیر می‌باشد.

- میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های (اقتصادی، محیطی، اجتماعی- فرهنگی، فردی- روانی و مدیریتی) بر بروز آسیب‌های اجتماعی چقدر است؟

- فرض بر این است مؤلفه‌های (اقتصادی، محیطی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی، فردی- روانی و مدیریتی) بر بروز آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری مؤثرند.



پیشینه و مبانی نظری

پیرامون موضوع مورد مطالعه تحقیقات متعددی از سوی پژوهش‌گران انجام شده است در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌ود:

پیری (1400) در پژوهشی به بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی در محلات کم برخوردار؛ مطالعه موردی: محله انجیراب گرگان پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد میانگین به‌دست‌آمده برای شاخص آسیب اجتماعی برابر با 30/28 بوده که در سطح کم قرار می‌گیرد. میانگین شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی 14/23 و در سطح متوسط، شاخص خشونت 9/83 و در سطح متوسط، میانگین شاخص آسیب جنسی 1/18 و در سطح کم و شاخص آسیب‌اجتماعی حوزه کودکان برابر با 5/03 می‌باشد که در سطح کم قرار دارد. به جز شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی که به سطح متوسط نزدیک است سایر شاخص‌ها در سطح پایینی قرار دارد. توانمندسازی جامعه حلی، ارتقاء مشارکت اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی از جمله راه‌کارهای مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی در این محله است. فرزانه سادات زارنجی و همکاران (1400) در پژوهشی به مقایسه تطبیقی محلات غیررسمی شهر اردبیل بر اساس آسیب‌های اجتماعی در دوران پاندمی کووید 19 با تأکید بر امنیت اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد از بین محلات مورد مطالعه محلات اسلام‌آباد، میراشرف و نیار به‌ترتیب بیش‌ترین فاصله را از وضعیت ایده‌آل به لحاظ امنیت اجتماعی دارند و محلات کاظم‌آباد، ملایوسف و سلمان‌آباد دارای آسیب‌های اجتماعی کم‌تر و امنیت اجتماعی در آن‌ها نسبت به سایر محلات مورد مطالعه بیش‌تر است. محلات پناه‌آباد و گل‌مغان و هم‌چنین محلات سیدآباد و ایران‌آباد نیز دارای رتبه‌های یکسان هستند. عباسی‌اقدم (1400) در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر امنیت اجتماعی بر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی امنیت اجتماعی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نوع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسان‌ها است. بدون شک، هیچ عنصری برای پیشرفت و توسعه یک جامعه و شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از

عنصر امنیت و تأمین آرامش جامعه است. نصرتی پایانی و همکاران (1399) در پژوهشی به بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران به این نتیجه رسیدند از بین متغیرها، متغیر خانواده‌های از هم‌گسیخته با ضریب بتای (0/277)، تأثیرگذاری بیش‌ترین از سایر متغیرها داشته است؛ یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در پایگاه اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی (0/398) واحد تغییر می‌کند. مقایسه صورت‌گرفته بین یافته‌های پژوهش و نتایج ادبیات تجربی نشان‌گر آن است که ساختار مناطق حاشیه‌ای در استان مازندران با وضعیت بی‌سازمانی مواجه‌اند و این وضعیت سبب بروز انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین به‌منظور برون‌رفت از این آسیب‌ها می‌بایست ریشه این مشکلات را با استفاده از متخصصین مجرب مورد شناسایی قرار داد و ضرورت تغییر رویکرد از اقدامات نظامی، امنیتی، روان‌شناختی، فردی و فقط مددکارانه به سمت رویکردهای اجتماعی متناسب با هر منطقه به‌شدت احساس می‌شود. حیدری و محمدی (1399) در پژوهشی به تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد- شهر زنجان) پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام‌آباد ناشی از بیکاری (با ضریب 0/980)، بی‌عدالتی (با ضریب 0/988)، توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب 0/978)، می‌باشد و بُعد اجتماعی- فرهنگی با (ضریب 0/627) بیش‌ترین هم‌بستگی را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد. یعنی با تضعیف شرایط اجتماعی- فرهنگی در جامعه آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند. نوایی و همکاران (1399) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی- خصوصی در کاهش آسیب‌های اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری به این نتیجه رسیدند با تأسیس یک نهاد نیمه دولتی با قدرت اجرایی کافی، به‌عنوان محرک اجتماعی که برقرارکننده مشارکت بین بخش خصوصی، عمومی و اجتماعی باشد، می‌توان با ایجاد اطمینان و اعتماد لازم موجبات تحقق یک نوزایی شهری موفق را فراهم آورد. برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس امکانات نهادهای محلی، جامعه محلی و



مشارکت محلی استوار است.. سلیمی و همکاران (1395)، در پژوهشی به بررسی الگوی تعاملی- ساختاری ناجا در برقراری نظم و امنیت با رویکرد پیش‌گیری از بزه‌کاری نوجوانان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد اولویت تأثیرگذاری مؤلفه‌های تعاملی بر پیش‌گیری از بزه‌کاری نوجوانان به ترتیب، تعامل با سازمان‌های آموزش و پرورش و رسانه ملی و سپس تعامل با نهادهای خانواده می‌باشد. مرادی سرغولی و همکاران (1395)، در پژوهشی به بررسی مطالعه جامعه‌شناختی حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در شهر اهواز پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد ارتباط معناداری بین حاشیه‌نشینی و گرایش به خشونت، قانون‌گریزی، احساس ناامنی، گرایش به اعتیاد و بدبین وجود دارد. امیری و همکاران (1392)، در پژوهشی به مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه 19 شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد مدیران منطقه 19، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی می‌دانند و بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری را به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌ها معرفی می‌کنند.

شاو و مک‌کی¹ (2012) در پژوهشی جرائم شهری را متأثر از مناطق خاصی در سطح شهر دانسته که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی داشته و به «گتو» معروف هستند. یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

1- به‌طور کلی بزه‌کاران مناطق حاشیه از حیث ضریب هوشی و شخصیتی با بزه‌کاران مناطق دیگر، تفاوت معناداری ندارند. 2- در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از طریق آن‌ها محله‌ها، رفتار افراد را کنترل می‌کنند، به‌طور عمده از هم فروپاشیده‌اند. 3- مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی، اعمال خراب‌کارانه و متجاوزانه فراهم می‌کنند. 4- فعالیت‌های بزه‌کارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به‌عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند بکلی² (2015) در پژوهشی به

مطالعه رفتارهای مهاجران خلاف‌کار در سوئد پرداخته است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که فقدان رفتار شهروندی در میان این افراد، مشارکت آن‌ها را به سمت جرم و جنایت سوق داده است که این نتیجه سیاست‌های اشتباه به حاشیه راندن مهاجران در کشور سوئد است؛ بنابراین تغییر در سیاست‌های مهاجرتی تنها ابزار کاهش جرائم حاشیه‌نشینان و پیش‌گیری از حاشیه‌نشینی در سوئد است.

بیجرک¹ (2010) در پژوهشی به بررسی دزدی اراذل و اوباش و فقر محله پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که تحت شرایط محرومیت بین فقر افراد و جرائم خشونت‌آمیز رابطه وجود دارد. علاوه بر این، متناسب با آمارهای موجود در این زمینه، حاشیه‌نشینی و جدایی اقتصادی از محیط‌های شهری نقش چندانی روی جرائم مالی نداشته است اما در مقابل تأثیر مشهودی بر کاهش سلامت روانی و اجتماعی داشته است.

بیرکان و هوگ² (2011)، در پژوهشی به بررسی مهاجرت، انبوهی جمعیت و جرم، تحلیل داده‌های آماری جرائم در بلژیک پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد سطوح بالای بیکاری و فقر اقتصادی میان مهاجران، به سوق دادن آنان به سمت ارتکاب جرائم منجر شده است. به عبارت دیگر، پایگاه اقتصادی و اجتماعی مهاجران در بروز جرائم مالی، نقش حائز اهمیتی داشته است اما درباره متغیر تراکم قومیتی، نتایج نشان داد که قومیت مهاجران نقش چندانی در ارتکاب جرم نداشته است.

چمبرلین و هیب³ (2015) در پژوهشی به بررسی رابطه تراکم جمعیت با وقوع جرم در محله‌ها، مشخص کردند که با افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی در یک محله یا هم‌جواری آن میزان جرائم افزایش می‌یابد. البته توضیح آن در این است که اگر در جمعیت ساکن، محرومیت نسبی وجود داشته باشد؛ احتمال وقوع جرم نیز بالا می‌رود.

1- Bjerk

2- Bircan&Hooghe

3- Chamberlain & Hip



مانالیو¹ (2016) در پژوهشی به بررسی مشارکت در پیش‌گیری از جرم توسط سازمان‌های ضد جرم، نشان داد اگر ساکنان در طول شب، محله خود را تماشا کنند و با گزارش دادن به پلیس و ارائه اطلاعات به پلیس همکاری کنند؛ ارتکاب جرائم کاهش می‌یابد. اگرچه در این مطالعه مشخص شد زمانی که ساکنین فقیر باشند نسبت به این مسائل بی‌توجه‌اند و البته در برخی موارد پلیس نسبت به ارتکاب جرائم و گزارش‌های واصله از مردم بی‌توجه است.

باتنر² (2022) در پژوهشی رابطه بین نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی را در ابعاد مختلف و جرائم خشونت‌بار و سرقت را در سطح محلی در آفریقای جنوبی، با استفاده از مجموعه داده پانل بررسی یک‌بار و دریافت که بین نابرابری درآمدی و جرائم خشونت‌بار، رابطه خطی مثبت معنی‌داری وجود دارد. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در زمینه آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست و حاشیه‌نشین مقالات متعددی نگاشته شده است، اما با استفاده از روش پژوهش حاضر در سطح محلات حاشیه‌نشین شهر اردبیل پژوهشی انجام نشده است. از این‌رو این پژوهش جهت پرکردن جای خالی این خلاء علمی تدوین شده است. در این راستا هدف پژوهش حاضر ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر محلات فرودست شهر اردبیل می‌باشد.

آسیب‌های اجتماعی: آسیب‌های اجتماعی را بر اساس واحد تحلیل و نوع نگاه به علل جرم می‌توان به دو رویکرد کلی تقسیم کرد. اولین رویکرد، رویکرد «جامعه‌شناختی» است که در مطالعات جرم به فرد، انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی، زمینه خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد. این رویکرد، با تکیه بر نظریات جامعه‌شناختی، به تأثیر عوامل اجتماعی بر وقوع کج‌روی و جرم تأکید دارد. در مقابل و در رویکرد دوم، که آن‌را رویکرد «بوم‌شناختی» بررسی زمینه عینی وقوع جرم و عوامل موقعیتی و فرصت‌هایی که باعث وقوع جرم و آسیب‌ها می‌شود، بیش از عوامل اجتماعی جرم، مانند فقر و بیکاری، مورد توجه است (حیدری و محمدی، 1399: 61).

نظریه‌های جامعه‌شناسی آسیب‌شناسی اجتماعی بر اساس مدل تحلیل و نیز نحوه نگاه به علل جرم به دو دیدگاه کلی تقسیم شده است:

1. رویکرد جامعه‌شناختی که در این رویکرد برای بررسی جرم، توجه اصلی بر روی فرد است و نیز انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، نوع شخصیت و ویژگی‌های آن، خانواده فرد، عضویت فرد در گروه و... مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.
2. رویکرد بوم‌شناختی که در این رویکرد برای بررسی جرم، توجه اصلی بر روی مکانی است که مجرم در آن قرار داشته است. از جمله نظریات مربوط به رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌های پیوند و تقویت افتراقی هستند که در زمره نظریات یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرند (صدیق سروستانی، 1398). مشخصاً این نظریه‌ها بر مؤثر بودن محیط اجتماعی و انسانی در ایجاد انحرافات اجتماعی تأکید دارند. نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از بین نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در بحث‌های بی‌هنجاری‌های اجتماعی است. تأکید نظری ساترلند این است که اشخاص به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد برخوردهای انحرافی آنان بیش‌تر از برخوردهای غیرانحرافی‌شان است. این متفاوت بودن تعامل افراد با کسانی که اندیشه‌های کج‌روا دارند، نسبت به افرادی که از اندیشه‌های هم‌نوایانه برخوردارند. از نظر او اگر فردی در مکان مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا باشد تا عوامل بدون جرم، احتمالاً قانون شکنی‌اش بالا می‌رود. نیومن نیز با ارائه نظریه «فضای قابل دفاع»، بر مؤثر بودن مشخصات فیزیکی محله مسکونی بر اندازه جرم در آن تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که نقشه معماری، الگوی فیزیکی و نقشه ساختمان‌های مسکونی بر نحوه ارتباطات بین سکنه محله و نظارت اجتماعی غیررسمی اثرگذار است. به اعتقاد وی، به‌کارگیری راهبرد فضای قابل دفاع می‌تواند بوم‌پایی نهان، حس جمعی ساکنان، حس مسئولیت‌پذیری آنان برای تأمین امنیت و حفظ محله‌های



سالم، مولد و مراقبت شده، دخالت در جرم و اعلام آن را به پلیس بهبود بخشد (نظیری و همکاران، 22: 1402).

سکونت‌گاه‌های غیررسمی: از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌باشد؛ که به‌علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است (اسمولکا¹، 2008: 19). اسکان غیررسمی با عوارضی مانند فقر، سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است که موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند: پوچی و بی‌ارزشی حقارت، سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساساتی مانند خشم می‌گردد و خود می‌تواند یکی از عوامل بروز انواع آسیب‌ها و بزه‌کاری‌ها از جمله اعتیاد، تکدی‌گری، برخوردهای فیزیکی و سرقت و غیره شود (نور مرادی و توسلی، 1391: 16). نواحی مختلف شهری با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های بومی و جامعه شناختی‌شان پتانسیل متفاوتی را برای بروز آسیب‌های اجتماعی در خود به‌وجود می‌آورند. در این بین مناطق دارای اسکان غیررسمی به دلیل برخورداری از شرایط انزوا موقعیت مناسبی را برای بروز انواع جرائم و آسیب‌ها فراهم می‌کنند (حیدری و محمدی، 1399: 61). در مناطق مذکور انعطاف‌پذیری بالایی برای ارتکاب به جرائم وجود دارد؛ از این رو به دلیل موقعیت کالبدی پایین، نبود امکانات، نابرابری در دستیابی به امکانات، خطری برای افزایش جرم و جنایت در سراسر جهان هستند (موات²، 2015: 459). در ادامه به 3 دیدگاه اصلی در خصوص زمینه وقوع جرم پرداخته می‌شود.

مکتب اکولوژی: مکتب اکولوژی (بوم‌شناسی) شهری در مسیر تکوینی خود با کارهای پارک، برجس و مکنزی آغاز و سرانجام به تأکید بر متغیرهای اقتصادی اجتماعی ختم شد. اگرچه تأکید بر طبیعی بودن یا غیرقابل کنترل بودن نابهنجاری‌های اجتماعی در شهرها از نقاط ضعف این مکتب بوده است،

دیدگاه اکولوژی اجتماعی در سیر تکاملی خود با غلبه نگرش سیستمی، ریشه‌یابی نابه‌نجاری‌ها خشونت‌های شهری را در گرو شناخت بی‌تعادلی‌های اقتصادی-اجتماعی در جامعه شهری تلقی می‌کند (زینالی، 33: 1391).

دیدگاه مرتون: یکی از معروف‌ترین توضیحات درباره‌ی میزان جرم طبقه پایین، متعلق به رابرت کی مرتون است. وی درباره‌ی پیوند فقر و جرم اظهار می‌دارد که فقر و کمبود فرصت‌ها الزاماً سبب جرم نمی‌شوند. به تعبیر وی، فقر متغیری منزوی نیست. اگر شرایطی پیش آید که در آن اهداف فرهنگی از سوی اقشار یک جامعه درونی شوند، اما سازمان اجتماعی در دسترسی به این اهداف و عطف به طبقات گوناگون، متفاوت عمل کند زمینه‌ی بروز جرائم فراهم می‌شود. هرچه جایگاه فرد در نظام قشربندی پایین‌تر باشد، بیش‌تر با محدودیت‌هایی برای دستیابی به ابزار قانونی برای رسیدن به اهداف موفقیت‌آمیز مواجه می‌شود. (احمدیان، 1393: 86).

دیدگاه قشربندی اجتماعی: بر اساس این دیدگاه، ارتکاب جرم (بروز نامنی) با وضعیت اقتصادی اجتماعی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه سابقه‌ای طولانی دارد، اما دو نسخه‌ی فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره‌ی حاشیه‌نشینی و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود، بر تأثیر جرم‌زای نداشتن درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. هم‌چنین مدل فقر مطلق تأکید می‌کند که تأثیرات استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند. که به کمک خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود. نسخه‌ی دیگر از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می‌شود. که بیش‌تر بر ابعاد جرم‌شناختی نابرابری اقتصادی اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق. شکل شماره یک، مدل مفهومی پژوهشی را نشان می‌دهد.



شکل شماره 1: مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است که در زمره مطالعات وابستگی قرار می‌گیرد. قلمرو زمانی پژوهش سال 1403 و قلمرو مکانی محلات 15 گانه اسکان غیررسمی شهر اردبیل می‌باشد. در این خصوص به لحاظ گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره برده شده است. ابزار پژوهش مبتنی بر پرسش‌نامه استاندارد در مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای می‌باشد. به‌گونه‌ای که 6 مؤلفه (اقتصادی، محیطی، اجتماعی-فرهنگی، خانوادگی، فردی-روانی، مدیریتی) و 38 گویه به شرح جدول شماره یک به کار گرفته شد. در این راستا جهت تعیین میزان روایی پرسش‌نامه از نظرات متخصصان امر و استاد راهنما و برای سنجش پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از محاسبه آزمون آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه 0/812 به‌دست‌آمده که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد

بالای ابزار پژوهش می‌باشد. جامعه آماری پژوهش منطبق بر ساکنین محلات 15 گانه اسکان غیررسمی شهر اردبیل می‌باشد که تقریباً دارای 95352 نفر می‌باشد که 382 نفر بر اساس فرمول کوکران به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و جهت ارتقای دقت کار تعداد پرسش‌نامه به 450 عدد افزایش یافت. به‌گونه‌ای که برای هر محله 30 پرسش‌نامه به رو نمونه‌گیری تصادفی ساده توزیع و تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای لیزرل و اسپاس به بهره برده شده است.

جدول شماره 1: مؤلفه‌ها و گویه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی

مؤلفه	گویه
اقتصادی	فقر، بیکاری، بی عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری)، فاصله طبقاتی زیاد جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت
محیطی	روشنایی محله در شب، وجود فضاهای باز (ساخته نشده) در محله، وجود اماکن متروکه در محله، تنگ و پرپیچ و خم بودن معابر، نبود کاربری‌های انتظامی (کلانتری و پاسگاه)
اجتماعی- فرهنگی	ازدیاد جمعیت، مهاجرت، ناامنی، تغییر ارزش‌ها، فاصله نسل‌ها
خانوادگی	خانواده پر جمعیت، خانواده گسسته و پرتنش، سابقه بزه کاری در خانواده، سابقه اعتیاد در خانواده، ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان، طلاق والدین
فردی- روانی	ویژگی‌های شخصیتی کودکان، ظرفیت روانی و توانمندی کودکان، بحران بلوغ و تاثیرات آن، جنسیت، سن، قدرت طلبی، بیماری روانی
مدیریتی	بی توجهی مسئولان شهری به محله، نبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در محله، بی اهمیت جلوه دادن مشکلات محله توسط نهادهای مسئول، عدم توجه به مشارکت و نظر خواهی از ساکنین در طرح‌های توسعه شهری محله، بی توجهی به درخواست‌های مردم و عدم رسیدگی به آن‌ها توسط نهادهای مسئول

منبع: حیدری و محمدی، 1399

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر محلات فرودست شهر اردبیل می‌باشد. با مشاهدات میدانی و با مراجعه به طرح‌های انجام‌شده، از مجموع محلات موجود در شهر اردبیل 15 محله از لحاظ سکونتی به‌عنوان محلات فرودست و سکونت‌گاه غیررسمی با جمعیت 95352 نفر و با مساحت 812 هکتار که



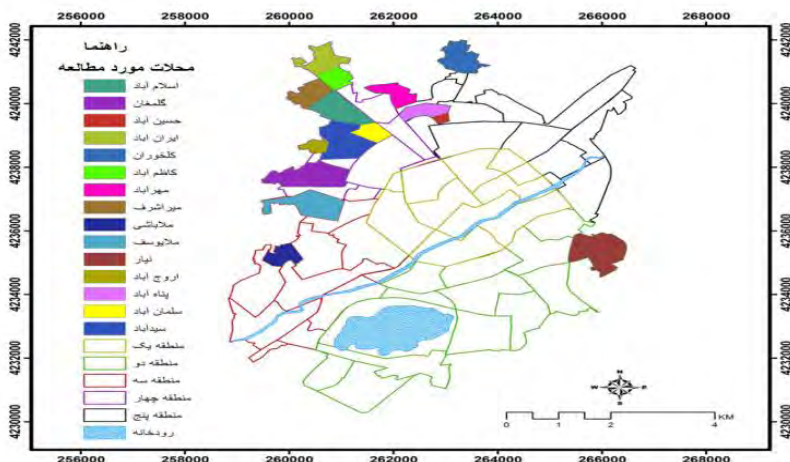
12/95 درصد از کل مساحت شهر را به خود اختصاص داده‌اند. در شکل شماره یک، موقعیت محلات اسکان غیررسمی شهر اردبیل آورده شده است.

محلات فرودست شهر اردبیل را می‌توان به سه الگوی زیر تقسیم‌بندی کرد:

محلات مهرآباد و جین کندی: این محلات دارای ساختار اجتماعی نامنسجم داشته، از توان اقتصادی بسیار پایینی برخوردار بوده کالبد این محلات بسیار آسیب‌پذیر است. اکثریت ساکنین این محلات را مهاجرین تشکیل داده‌اند و عمدتاً ساختمان‌ها در این محلات بدون مجوز ساخت و در اراضی با محدودیت توسعه احداث شده‌اند.

محلات گلمغان، ملباشی، ملایوسف، کلخوران و نیار: این محلات در سال‌های گذشته روستا بوده‌اند و پس از گسترش محدوده قانونی شهر اردبیل به داخل مرزهای شهری اردبیل وارد شده‌اند. لذا دارای ساختار اجتماعی منسجمی بوده، اما ضعف اقتصادی خانوارها به‌وضوح مشهود می‌باشد. در این محلات اگرچه ساخت‌وسازها با مجوز صورت گرفته، اما اکثریت ابنیه در برابر حوادث طبیعی به‌شدت آسیب‌پذیر می‌باشند.

محلات اروج آباد، اسلام‌آباد، کاظم‌آباد، میر اشرف، سیدآباد، حسین آباد و پناه‌آباد: اکثریت ساکنین این محلات را مهاجرین شهرها و روستاهای اطراف تشکیل می‌دهند که عمدتاً در سال‌های پس از 1370 و جدا شدن اردبیل از آذربایجان شرقی به این محلات وارد شده‌اند، به سبب ضعف اقتصادی‌شان نتوانسته‌اند وارد چرخه اصلی اقتصادی شهر شوند. شرایط کالبدی این محلات در مقایسه با محلات دیگر اسکان غیررسمی بهتر ارزیابی می‌شود و ساختار اجتماعی این محلات دارای انسجام نسبی می‌باشد (مهندسین مشاور پارس آریان راود، 1392: 255)



شکل شماره 2: موقعیت محلات اسکان غیررسمی در شهر اردبیل

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش مشتمل بر دو بخش توصیفی و یافته‌های استنباطی می‌باشد. در قسمت یافته‌های توصیفی به وضعیت تأهل، سن، تحصیلات و اشتغال پرداخته شده است. یافته‌های توصیفی در این خصوص حاکی از آن است از مجموع پاسخ‌گویان 56/16 درصد متأهل و 44/38 درصد مجرد بودند. بررسی سنی جامعه نمونه مبین آن است 544/52 در گروه سنی (36 الی 50 سال) قرار می‌گیرند. بیش‌تر پاسخ‌گویان دارای تحصیلات سیکل و دیپلم بودند. از لحاظ وضعیت اشتغال نیز بیش از 50 درصد پاسخ‌گویان را قشر کارگر تشکیل می‌دهد. ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان در جدول شماره دو ارائه شده است.

جدول شماره 2: ویژگی‌های شخصی پاسخ‌گویان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
وضعیت تأهل	متأهل	277	61/56
	مجرد	173	38/44
سن	کم‌تر از 20	31	6/89
	21 تا 35 سال	49	10/89
	36 تا 50 سال	236	52/44
	بیش‌تر از 50 سال	134	29/78



متغیر	گروه	فراوانی	درصد
تحصیلات	بی‌سواد	41	9/12
	ابتدایی و راهنمایی	65	14/44
	سیکل و دیپلمه	207	46
	تحصیلات دانشگاهی	137	30/44
اشتغال	کارگر	262	58/22
	آزاد	152	33/78
	کارمند بخش خصوصی	11	2/44
	کارمند دولتی	25	5/56

منبع: (یافته‌های مستخرج از پرسش نامه، 1403)

برای این‌که فرضیات را آزمون کنیم لازم است ابتدا از نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده اطلاع و آگاهی پیدا نماییم، لذا برای رسیدن به این امر از آماره ناپارامتریک کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شده است. نتایج این آمار در جدول شماره سه ارائه شده است.

جدول شماره 3: آماره اسمیرنوف و کولموگروف

مؤلفه‌ها	اسمیرنوف و کولموگروف	سطح معناداری
اقتصادی	0/156	0/58
محیطی	0/163	0/85
اجتماعی - فرهنگی	0/161	0/78
خانوادگی	0/183	0/53
فردی - روانی	0/151	0/91
مدیریتی	0/194	0/59

منبع: (یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه، 1403)

با عنایت به نتایج مندرج در جدول فوق استنباط می‌گردد که سطح معناداری برای هر یک از متغیرها بیش‌تر از 0/05 بوده این به این معنی است که داده‌های پژوهش از قاعده یکنواختی و نرمالیتیه برخوردار هستند و محقق می‌تواند از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، رگرسیون و پیرسون و تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری استفاده نماید. در پژوهش حاضر جهت پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش یعنی ارزیابی و شناسایی عوامل مؤثر بر آسیب‌های

اجتماعی در محلات فرودست شهری از آماره تی (تک نمونه‌ای) استفاده شده است. از آنجایی که سؤالات پرسش‌نامه مربوطه در مطالعه حاضر، براساس مقیاس لیکرت از یک تا نمره پنج درجه‌بندی شده است، بنابراین عدد سه به‌عنوان «عدد میانگین و نقطه حد مرزی» لحاظ شده است. بدین ترتیب که اگر میانگین یک مؤلفه بیش‌تر از عدد 3 محاسبه شود، آن عامل یا متغیر در وضعیت مطلوب و مناسب قرار گرفته است و عامل مؤثر شناخته شده و نهایتاً قابل قبول است نتایج آزمون تی (تک نمونه‌ای) در جدول شماره چهار ارائه شده است.

جدول شماره 4: میانگین عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	استاندارد انحراف میانگین
اقتصادی	450	3/68	0/57	0/095
محیطی	450	3/45	0/95	0/086
اجتماعی - فرهنگی	450	3/19	0/93	0/075
خانوادگی	450	3/34	1/05	0/083
فردی - روانی	450	3/28	0/97	0/084
مدیریتی	450	3/53	1/03	0/082

منبع: (یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه، 1403)

همان‌گونه که در جدول شماره چهار قابل ملاحظه است میانگین متغیرهای عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری بیش‌تر از عدد 3 می‌باشند و این یعنی این‌که تمام متغیرهای مورد بررسی (اقتصادی، محیطی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی، فردی - روانی و مدیریتی) بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری مؤثرند. بیش‌ترین میانگین به ترتیب به متغیر اقتصادی و مدیریتی و کم‌ترین میانگین نیز به متغیر فردی - روانی اختصاص دارد. در قسمت بعدی تجزیه و تحلیل جهت پاسخ به سؤال فرضیه پژوهش از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل در جدول شماره پنج ارائه شده است.



جدول شماره 5: آزمون تی (تک نمونه‌ای) برای عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری

مشخصات آماری متغیرها	تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	
			حد بالا	حد پایین
اقتصادی	3/68	0/000	0/504	0/175
محیطی	3/45	0/000	0/601	0/235
اجتماعی - فرهنگی	3/19	0/001	0/44	0/143
خانوادگی	3/34	0/000	0/66	0/331
فردی - روانی	3/28	0/00	0/81	0/483
مدیریتی	3/53	0/002	0/41	0/085

منبع: (یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه، 1403)

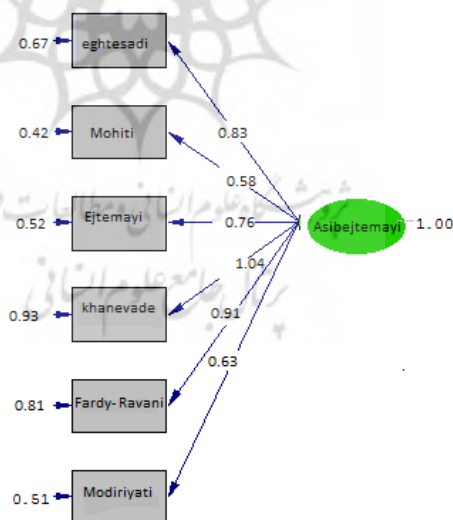
نتایج آمار استنباطی در جدول فوق نشان می‌دهد که آماره تی یک جامعه (یک‌طرفه) برای تمام متغیرهای آسیب‌های اجتماعی مثبت و معنادار می‌باشد و میزان سطح معنی داری برای تمام این متغیرها به صورت $0/000 < 0/05$ و $0/002$ و $Sig=0/001$ مشاهده شده است، بنابراین به دلیل کوچک بودن از سطح معنی داری آزمون، می‌توان با احتمال 95 درصد ادعا کرد که میانگین این متغیرها با میانگین بحرانی (یعنی نمره 3) نابرابر می‌باشند، با عنایت به این که میزان آماره تی برای کل متغیرها مثبت شده است در نتیجه می‌توان ادعا کرد که تمام متغیرهای مورد مطالعه جزء عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری هستند.

تحلیل عاملی تأییدی (CFA)

برای بررسی فرضیه پژوهش نخست باید صحت مقیاس مورد استفاده تأیید شود؛ بنابراین از تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آن‌ها استفاده شده است. تحلیل عاملی تأییدی ارتباط گویه‌ها (پرسش‌های پرسش‌نامه) را با سازه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع تا ثابت نشود پرسش‌های پرسش‌نامه، متغیرهای پنهان را به خوبی اندازه‌گیری کرده‌اند، نمی‌توان فرضیه‌های پژوهش را مبتنی بر داده‌های پرسش‌نامه مورد استفاده قرار داد؛ بنابراین جهت اثبات این که داده‌ها درست

اندازه‌گیری شده‌اند از تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌شود. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به‌وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگ‌تر از 0/4 دارد که نشان می‌دهد هم‌بستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. پس از این‌که هم‌بستگی متغیرها شناسایی شد باید آزمون معناداری صورت گیرد. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره T- value معناداری استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای 0/05 بررسی می‌شود بنابراین اگر آماره آزمون T- value از مقدار بحرانی 1/96 بزرگ‌تر باشد، رابطه معنادار است. براساس نتایج شاخص‌های موردسنجش هر یک از مقیاس‌های مورد استفاده در سطح اطمینان 5 درصد مقدار آماره T-value بزرگ‌تر از 1/96 می‌باشد که نشان می‌دهد هم‌بستگی‌های مشاهده شده معنادار است.

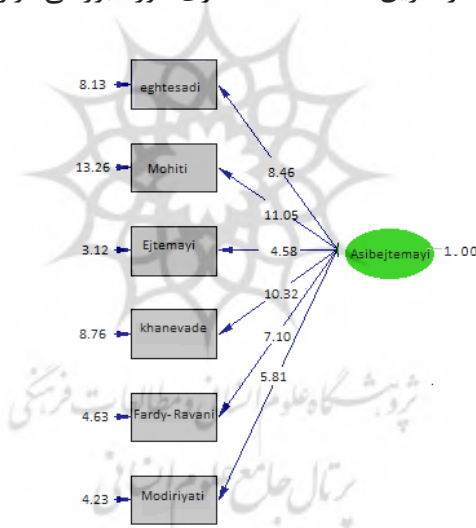
در شکل شماره سه مدل برازش تحلیل عاملی تأییدی که در وضعیت استاندارد می‌باشد ارائه شده است.



Chi-Square= 41.35` df=8, P-value=0.00000, RMSEA= 0.071`

شکل شماره 3: بار عاملی تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش

بر اساس شکل شماره سه، که خروجی تحلیل عاملی تأییدی در قالب نرم‌افزار لیزرل می‌باشد ضرایب مسیر (β) یا به عبارتی بارهای عاملی پژوهش مشخص شده است. اندازه ضریب مسیر نشان‌دهنده قدرت و قوت رابطه بین دو متغیر نهفته است. پژوهش‌گران بر این باورند که ضرایب مسیر بایستی بیش‌تر از 0/4 محاسبه شود، تا تأثیرگذار در مدل تلقی شود. همان‌طور که مشخص است همه متغیرها دارای بار عاملی بیش‌تر از 0/4 هستند و روابط بین متغیرهای پژوهش مثبت می‌باشند. هم‌چنین مقدار ضریب شاخص‌های RMSEA برابر با (0/71) و ضریب χ^2 (41/35) و در بازه مورد قبول هستند لذا می‌توان ادعا کرد که مدل پژوهش نشان از برازش خوب و مطلوب دارد و هیچ متغیر و یا عاملی از مدل حذف نخواهد شد. در ادامه معناداری مدل و روابط بین متغیرها از طریق T-value معناداری مورد بررسی قرار گرفته است.



Chi-Square= 41.35` df=8, P-value=0.00000, RMSEA= 0.071`

شکل شماره 4: معناداری مدل از طریق T-Value

بر اساس شکل شماره چهار با مقایسه مقادیر این آزمون برای هر مسیر می‌توان به تأیید و یا عدم تأیید معناداری مسیرهای مدل پرداخت و میزان تأثیرگذاری آن را تحلیل و استنباط نمود. در این راستا اگر مقدار آماره T-

value معناداری بالاتر از قدر مطلق $1/96$ گردد، در سطح اطمینان 95 درصد آن متغیر تأثیرگذار و مورد تأیید است. مقادیر آماره T-value معناداری مدل فوق نشان دهنده آن است که تمامی ضرایب بیش‌تر از $1/96$ می‌باشند. لذا تمام متغیرهای پژوهش جزء عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری می‌باشند. برخی از شاخص‌های مهم برازش برای کل مدل به در جدول شماره شش ارائه شده است.

جدول شماره 6: شاخص‌های مدل ساختاری جهت برازش بیش‌تر مدل

نتیجه	مقدار مشاهده شده	حیطه قابل قبول	شاخص
مطلوب	41/35	معنادار باشد	تفاوت فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار (χ^2)
مطلوب	4/59	بین 1 و 5 باشد	نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)
مطلوب	0/071	کوچک‌تر از عدد 1	خطای مجذورات میانگین (RMSEA)
مطلوب	0/91	برابر یا بزرگ‌تر از 0/9	شاخص نیکویی برازندگی (GFI)
مطلوب	0/93	برابر یا بزرگ‌تر از 0/9	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
مطلوب	0/91	برابر یا بزرگ‌تر از 0/9	برازش هنجار شده (NFI)
مطلوب	0/93	برابر یا بزرگ‌تر از 0/9	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
مطلوب	0/017	هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد	میانگین مجذور پس‌مانده‌ها (RMR)
مطلوب	0/58	هر چه به عدد 1 نزدیک باشد	شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه، 1403

با عنایت به این‌که سایر مؤلفه‌های نرم‌افزار لیزرل که تأییدکننده هر چه بیش‌تر عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری می‌باشد، در جدول شماره شش مشاهده شد. در یک جمع‌بندی کلی نتایج و یافته‌های پژوهش در جدول زیر شماره هفت ارائه شده است.



جدول شماره 7: روابط متغیرهای پژوهش

نتایج	T-Value	ضریب مسیر	فرضیه‌ها
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	8/45	0/91	اقتصادی ← آسیب اجتماعی
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	11/14	0/58	محیطی ← آسیب اجتماعی
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	4/54	0/68	اجتماعی- فرهنگی ← آسیب اجتماعی
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	10/35	1/05	خانوادگی ← آسیب اجتماعی
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	7/18	0/87	فردی- روانی ← آسیب اجتماعی
عامل مؤثر و تأیید فرضیه	5/96	0/76	مدیریتی ← آسیب اجتماعی

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه، 1403

طبق اطلاعات مدل تحلیل عاملی تأییدی در حالت معنی‌داری آزمون T-Value، مقدار آن برای هر یک از عوامل مورد مطالعه مؤثر است زیرا عدد معنی‌داری T-Value بیش‌تر از 1/96 هستند و بارهای عاملی یعنی ضریب مسیرها بیش‌تر از 0/4 هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات امروزی شهرها علی‌الخصوص شهرهای جهان سوم، شکل‌گیری محلات فرودست و اسکان غیررسمی در بافت‌های مختلف شهر است. این شیوه از سکونت‌گاه‌ها که حاصل شهرنشینی سریع و مشکلات اقتصادی کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه می‌باشد و از پدیده‌های عمده ناپایدارکننده شهری به‌شمار می‌روند. با توجه به این موضوع امروزه گسترش محلات فرودست و سکونت‌گاه‌های غیررسمی از پدیده‌های فراگیر شهر اردبیل می‌باشد که موجب ناپایداری و برهم خوردن توازن توسعه پایدار شهری می‌شود. پرواضح است در صورت عدم تدابیر مناسب و برنامه‌ریزی جهت کنترل و ارتقای کیفی این سکونت‌گاه‌ها روز به روز معضلات متعدد کالبدی- اجتماعی اقتصادی و زیست‌محیطی در سطح این محلات گسترش یافته و موجب بروز انواع پیامدهای منفی می‌گردد. آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای منفی در این سکونت‌گاه‌ها می‌باشد. با عنایت به این که موضوع سلامت به منزله حقوق اساسی هر فرد، از بدو پیدایش بشر و در طی قرون متمادی

مطرح بوده است، اما هر زمان که از آن سخن به میان می‌آمد، تنها به بُعد جسمی آن توجه می‌شد و به ابعاد دیگر آن کم‌تر توجه می‌شد. در این خصوص یکی از موضوعاتی که همواره توجه پژوهش‌گران اجتماعی را به خود معطوف نموده است، مسئله آسیب‌های اجتماعی است. با این حال، شناسایی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی همواره دغدغه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و مدیران شهری بوده است.

آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری (سکونت‌گاه‌های غیررسمی) بنابه دلایلی هم‌چون فقر، بیکاری، سطح نازل کیفیت زندگی، سطح نازل امنیت جانی و مالی و... نسبت به سایر سکونت‌گاه‌های شهر پررنگ‌تر است. بدین منظور ارزیابی عوامل مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی می‌تواند به عملکرد و تصمیم‌گیری بهتر مسئولین در راستای کاهش این معضل مهم و افزایش سطح امنیت شهروندان در سطح شهر کمک شایانی نماید. بر این مبنا هدف اساسی پژوهش حاضر ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر محلات فرودست شهری می‌باشد که به‌صورت موردی در سطح محلات فرودست شهر اردبیل (محلات 15 گانه سکونت‌گاه‌های غیررسمی) انجام شده است. در این راستا جهت آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که مؤلفه‌های (اقتصادی، محیطی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی، فردی- روانی و مدیریتی) بر بروز آسیب‌های اجتماعی مؤثرند. از آزمون تی (تک نمونه‌ای) و تحلیل عامل تأییدی بهره برده شده است. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش نشان داد که متغیرهای اقتصادی و مدیریتی بیش‌ترین میانگین و متغیر اجتماعی- فرهنگی کم‌ترین ضریب میانگین را دارند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام و آزمون فرضیه پژوهش از آمار استنباطی استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که تمامی مؤلفه‌های اقتصادی، محیطی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی، فردی- روانی و مدیریتی جزء عوامل مؤثر در آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست شهری می‌باشند چرا که نتایج آزمون نشان داد، تی تمام متغیرها مثبت بوده و نمره بیش‌تر از عدد حد وسط (3) کسب نموده‌اند. سطح معناداری متغیرها نیز از 0/05 کم‌تر مشاهده شد، بنابراین فرضیه پژوهش سطح 95 درصد مورد



تأیید واقع شد. نتایج حاصل از ضریب مسیر (β) نیز حاکی از روابط مثبت بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. چرا که همه متغیرها دارای بار عاملی بیش‌تر از 0/4 کسب کردند مقدار ضریب شاخص‌های RMSEA برابر با (0/71) و ضریب chi-Square (41/35) به‌دست آمد لذا می‌توان ادعا نمود که مدل پژوهش نشان از برازش خوب و مطلوب برخوردار می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر از یک‌سو با نتایج کار امیری و همکاران (1392) هم‌سو می‌باشد مبنی بر این‌که مدیران منطقه 19، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی می‌دانند و بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری را به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌ها معرفی می‌نمایند. از دیگر سو با نتایج پژوهش حیدری و محمدی (1399) که در پژوهش خود نشان دادند مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام آباد ناشی از بیکاری (با ضریب 0/980)، بی‌عدالتی (با ضریب 0/988)، توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب 0/978)، می‌باشد. هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر از جهتی با نتایج پژوهش شاو (2012) هم‌خوانی دارد که جرائم شهری را متأثر از مناطق خاصی در سطح شهر دانسته که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی داشته و به «گتو» معروف هستند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است مؤلفه اقتصادی و مدیریتی بیش‌ترین تأثیر را در بروز آسیب‌های اجتماعی دارند این در حالی‌است که نصرتی پایانی و همکاران (1399) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بودند که متغیر خانواده‌های از هم‌گسیخته با ضریب بتای (0/257)، تأثیرگذاری بیش‌ترین از سایر متغیرها داشته است. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در زمینه آسیب‌های اجتماعی در محلات فرودست و حاشیه‌نشین مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. اما با استفاده از روش پژوهش حاضر علی‌الخصوص در سطح محلات فرودست و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر اردبیل پژوهشی انجام نشده است. لذا این پژوهش جهت پرکردن جای خالی این خلاء علمی تدوین شده است.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

نصب دوربین‌های مداربسته، ایجاد روشنایی در نقاط کور و فضاهای بی دفاع؛ کنترل و نظارت مستمر نیروی انتظامی (متناسب با اولویت محلات به لحاظ آسیب‌پذیری)؛ افزایش آگاهی و آموزش از طریق رسانه با هدف کاهش احساس ناامنی، مهار و کنترل جرائم و انواع آسیب‌های اجتماعی؛ حضور مستمر گشت‌های پلیس در محله‌های حاشیه‌نشین علی‌الخصوص در اروج آباد، میراشرف، و ملاباشی؛ مکان‌یابی و احداث مراکز انتظامی هر چند کوچک در محلات با آسیب‌پذیری بیش‌تر نسبت به سایر محلات اسکان غیررسمی.

سپاس‌گزاری

نویسندگان مقاله، از کلیه کسانی که در فرآیند تدوین این فعالیت پژوهشی همکاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارند.





منابع

- امیری، مجتبی، پورموسوی، سید موسی، و صادقی، منصوره (1392). مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه 19 شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، 5 (2)، 37-119. موجود در آدرس: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.9.6
- احمدیان، فاطمه (1393). بررسی اثر بخشی عدالت اجتماعی بر امنیت شهری کلان شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد راهنما: دکتر محمدعلی فیروزی.
- پیری، یونس (1400). آسیب‌شناسی اجتماعی در محلات کم‌برخوردار؛ مطالعه موردی: محله انجیراب گرگان، فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، 5 (18)، 37-48. موجود در آدرس: <https://ensani.ir/fa/article/501134>
- حیدری، محمدتقی، و محمدی، شهرام (1399). تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، 11 (40)، 59-76. موجود در آدرس: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1399.11.40.5.2>
- زینالی، محمدعلی (1391). بررسی تأثیر عدالت فضایی بر امنیت شهری مناطق 1 و 19 شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- سلیمی، اکبر، خورشیدی، عباس، صارمی نوذر، امین، و ذوالفقاری، حسین (1395). الگوی تعاملی - ساختاری ناجا در برقراری نظم و امنیت با رویکرد پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، 9 (2)، 119-147.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (1398). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- عباسی اقدم، حسین، رضایی، افشین، و عطاری، حامد (1400). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر امنیت اجتماعی بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. مجله مطالعات فرهنگی پلیس، 4 (4)، 17-22. موجود در آدرس: DOI: 10.22034/hpsj.2021.209458.1053

- نصرتی پایانی، عزت‌اله، عباسی اسفنجیر، علی اصغر، رحمانی فیروزجاه، علی (1399). بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران، پژوهشنامه جغرافیای انضمامی، 8(31)، 76-55. موجود در آدرس: <https://ensani.ir/fa/article/450495>
- فرزانه سادات زارنجی، ژیلا، جامی اودولو، مریم، و یزدانی، محمد حسن (1400). مقایسه تطبیقی محلات غیررسمی شهر اردبیل بر اساس آسیب‌های اجتماعی در دوران پاندمی کووید 19 با تأکید بر امنیت اجتماعی، پژوهشنامه نظم و امنیت انضمامی، 14 (2)، 184-157. موجود در آدرس: DOI: 10.22034/OSRA.2021.95548
- مرادی سرغولی، فرود، نواح، عبدالرضا، حسین‌زاده، علی‌حسین (1395). مطالعه جامعه‌شناختی حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در شهر اهواز، دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی و مهندسی فرهنگی. موجود در آدرس: <https://civilica.com/doc/638580>
- مهندسین مشاور پارس آریانراود (1392). طرح توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی اردبیل، شهرداری اردبیل.
- نورمرادی، سکینه، و توسلی، غلامعباس (1391). بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران مورد مطالعه منطقه چهار (خاک سفید)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، 4(3)، 75-65. موجود در آدرس: https://journals.srbiau.ac.ir/article_1867.html
- نوایی، حسین، فنی، زهره، کارگر، بهمن، و کلانتری، محسن (1399). تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی - خصوصی در کاهش آسیب‌های اجتماعی بافت‌های فرسوده شهری، پژوهشنامه جغرافیای انضمامی، 8(31)، 24-1. موجود در آدرس: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23833580.1399.1399.31.1.9>
- نظیری، مصطفی، میرساردو، طاهره، و لیبی، محمد مهدی (1402). تحلیل رابطه محل سکونت، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای با آسیب‌های اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان محله خزانه تهران)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، 13 (48)، 221-254. موجود در آدرس: <https://doi.org/10.30495/uss.2023.709576>



- نقیبی، فریدون، خرم فائزه، و قربانی، شیوا (1400). ارزیابی و مقایسه جای پای اکولوژیکی ساکنان محلات غیررسمی با مناطق رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر ارومیه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، 53 (3)، 1073-1087. موجود در آدرس: <https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.274409.1007851>
- Bircan, T. M., & Hooghe, B. (2011). Immigration, diversity and crime: an analysis of Belgian national crime statistics, 2001–6. *European Journal of Criminology*, 8(3), 198–212. Available at: <https://doi.org/10.1177/1477370811403443>
- Bjerck, D. (2010). Thieves, Thugs and neighborhood poverty, *Journal of Urban Economics*, 10(7), 231-246. Available at: <https://doi.org/10.1016/j.jue.2010.06.002>.
- Beckley, Amber L (2015). Deterrence versus Marginalization: Evidence from Immigrant Offending, *Race and Justice*, July 2015; vol. 5, 3: 278-300. Available at: <https://doi.org/10.1177/2153368714568354>
- Buttner, N. (2022). Local inequality and crime: new evidence from South Africa, Working paper, Passauer Discussion papers-economic series. No. V-89-22. Available at: <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4213303>
- Chamberlain AW, Hipp JR. It's all relative: Concentrated disadvantage within and across neighborhoods and communities, and the consequences for neighborhood crime. *Journal of Criminal Justice*. (2015). 43(6):431-43. Available at: <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2015.08.004>
- McCord, E.S. and Ratcliffe J.H (2009). Intensity Value Analysis and the Criminogenic Effects of Land use Features on Local Crime Patterns, *Crime Patterns and Analysis*, 2 (1): 7, available at: www.jratcliffe.net/papers/McCord_Ratcliffe.
- Mowat, J. (2015). Towards a new conceptualization of marginalization, *European Educational Research Journal*, September; vol. 14, 5: pp. 454-476. Available at: <https://doi.org/10.1177/1474904115589864>
- Manaliyo JC. Barriers to community participation in crime Prevention in low income communities in Cape Town. *International Journal of social sciences and humanity studies*. (2016). 8(1):269-88. Piscitelli A, Perrella AM. Fear of crime and participation in associational life. *The Social Science Journal*. 2017, 54(2),179-90.
- Smolka, M. (2008). Informality and poverty in Latin American urban policies, In: Martine, G, et al. (Eds.), *the New Global Frontier: Urbanization, Poverty, and Environment in the 21st Century*, Eathscan, London: 99-114. Available at:

<https://doi.org/10.1080/09614520903122691>

- shaw, Clifford R, McKay, Henry D .(2012). the social disorganization theory center for spatially integrated social science. Available at: <https://escholarship.org/uc/item/47j411pr>
- United Nations, Population Division, Department of Economic and Social Affairs, World Urbanization Prospects: The 2017 Available at: <https://escholarship.org/uc/item/47j411pr>)Revision.

